پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره هشتم سال دوم دوشنبه ۲۲ ثور ۴۸- ۱۲-می ۶۹، شماره مسلسل ۶۰

د افغانستان خلك دي چه واقعی ستر قدرت تشکیلوی نه مرتجعین، مستبدین او متنفذین ځکه یواځی خلك دی چه د تاریخ محرکه قوت جوړوی.

دمبارزی جرأت په ځان کی پیداکړی، له کړاونو مه ډارپږی، ځنګ په ځنګ سره مخ په وړاندی درومی، یواځي په دغه صورت کي به نیك مرغی او خوښی دخلکو په برخه شي او ټول مرتجعین، مستبدان او استعمارګران به له منځه لاړشي اوخلك به بریالی شی.

بارق شفیی

برنامه‌های نمایشی هرگز نمی‌تواند مشکلات

استادان و معلمان کشور را حل کند!

سیر درنگ ناپذیر پروسهٔ تکامل در جریان کار اجتماعی، از تفکر اندیشناک انسان مغاره نشین تا هجوم شجاعانه بشر راکت سوار به ماه و زهره، بازگویندهٔ این حقیقت درخشان است که کسی بخواهد یا نخواهد جامعه تغییر می‌کند، پیوسته به‌پیش می‌تازد و در مسیر خویش بالاخره هر سد سدیدی را از هم می‌پاشد و هر قدرت قهاری را در هم می‌کشند، با مشکلات پنجه می‌دهد و از موانع می‌گذرد.

امواج خروشان و پیش آهنگ این سیل تازنده و پایان ناپذیر جریان تکامل بشری را اندیشه‌های خلاق و بازوان نیرومند انسان‌هایی تشکیل می‌دهد که در سازمان تولید اجتماعی نعم مادی نقش اساسی، آفریننده و دوران‌ساز دارند.

در برابر آن، تلاش مذبوحانه به‌منظور حفظ استقرار ارتجاعی وضع موجود در تمام شئون اجتماعی و میخکوب کردن عوامل ناآرام و رشد یابنده بجهت یك تغییر اساسی و ایجاد نظام نوین زندگی، انعکاس دهندهٔ کامل عیار خصلت متحجر و رجعت پسند طبقات حاکمه مرتجع در جوامع طبقاتیست.

من‌جمله در کشور ما نیز طبقات حاکمه ارتجاعی سال‌هاست برای دفاع از موقف ستمگرانه، ولی روبه زوال خویش و حفظ وضع موجود به‌منظور بقای تسلط خود، از طریق استوار نگه‌داشتن پایه‌های لرزان و سست بنیاد فرهنگ فرسودهٔ ملاکی و فئودالی و ترمیم آن با پیوند ناجور دانش ارتجاعی بورژوائی که فاقد هرگونه محتوی مترقیست، مصروف خلع سلاح کردن خلق‌های زحمتکش و فرزندان بااستعداد طبقات محروم کشورند. معهذا با ایجاد مانورهایی نظیر برگزاری روزی به نام »جشن معلم «و برنامه‌های نمایشی دیگر، بروی ماهیت حقیقی خویش پر ده می‌افگنند.

اگر چنین نیست، چرا مقامات مسؤول معارف و پوهنتون‌های کشور آزادی تدریس دانش مترقي را از معلمان و استادان شریف و وطن‌پرست سلب کرده‌اند، چرا دست و زبان استادان تحول طلب و ترقی‌خواه کشور را به زنجیر به‌اصطلاح توأمیت‌های اسارت آور با مراکز پخش و تعمیم ایدئولوژی ارتجاعی بورژوائی که جز پیوند فرهنگ پوسیده فیودالی با استعمار فرهنگی غرب، هدف و مفهومی ندارد بسته‌اند، چرا زمینهٔ استفاده معلمان و استادان معارف و پوهنتون را از تازه‌ترین اطلاعات و پدیده‌های علمی منابع مترقي جهان روز تا روز محدود و محدودتر می‌سازند و راه‌های ورود آثارمترقی علمی را به مراکز فرهنگی مملکت مسدود می‌نمایند، چرا وسایل تحصیلات عالی و انکشاف سویه علمی معلمان و استادان را به پیمانه سرتاسری کشور تهیه نمی‌بینند، چرا به نحوی از انحا جلو اشتراك فعال معلمان وطن‌پرست ترقی‌خواه را در امور سیاسی و اجتماعی کشور، در تعیین سرنوشت وطن محبوب شان می‌گیرند و آنان را از جریان تکامل جامعه و اندوختن تجارب علمی در زمینه‌های مختلف حیات اجتماعی باز می‌دارند چرا به رفع تشوشات روحی و ذهنی معلمان و استادان وطن‌پرست و با درد که اکثریت آنان را عناصر مربوط به طبقات زحمتکش وطن تشکیل می‌دهد نمی‌پردازند، چرا اکثر معلمان و استادان شریف کشور غذای کافي و صحی گرفته نمی‌توانند، لباس آبرومند ندارند، صحت ندارند، خانه ندارند و نیمی از وقت، نیرو و انرژی‌شان که باید در خدمت آموزش و پرورش فرزندان هموطن شان بکار رود، در خارج وظیفه ارجمند معلمی به کارهای دیگری، آن‌هم به غرض تأمین غذا، لباس، دوا و کرایه منزل فامیل‌های بینوای آنان به هدر می‌رود، و بالاخره چرا معلمان بی‌دفاع کشور همین‌که نتوانستند خاطر مبارک آغازاده‌های طبقات حاکمه را از خود راضی نگهدارند از طرف ارباب نفوذ محلی، بروکراتان و مأموران عالی رتبه فاسد و همچنان ملاکان و فیودالان بزرگ و از خود راضی و سرمایه داران سوداگر و دلال خارجی مورد تهدید و تخویف، توهین و تحقیر و ضرب شتم قرآرمی‌گیرند و حتی به دستیاری گردانندگان معارف و نمایندگان محافل حاکمه در مرکز و ولایات کشور شامل لست های سیاه می‌شوند، دوسیه‌های سیاسی و جنایی پیدا می‌کنند، تعقیب و تکفیر می‌شوند، طرد می‌گردند و به زندان‌ها می‌افتند؟

این‌ها و ده‌ها چرای دیگر نماینده این حقیقت مسلم است که نمایندگان طبقات حاکمه و حامیان سرسپردهٔ حفظ استقرار ارتجاعی وضع مو جود نمی‌خواهند روزنه روشنی از دانش پیش آهنگ و مترقي به‌سوی دل و دماغ فرزندان خلق‌های زحمتکش

(ص ۲)

د انتخاباتی مبارزی د پاره

د ائتلافي جبهی تشکیلول زمونږ ضروری او فوری وظیفه ده

په اوسنی حال کی د ټولو ملی، دموکراتیکو، ترقي غوښتونکو او وطن پرستو افرادو، محا فلو، ډلو او قوتونو ضروری او فوری وظیفه داده چه ددیارلسمی دوری دانتخاباتی مبارزی دپاره او په انتخاباتو کښی دګډون دپاره د افغانستان د خلکو دچمتو کولو په خاطر، دار تجاعی حاکمو طبقا تو دناپاکی جبهی دکمزوری کولو اودارتجاعی محافلو او دخارجی فتنه اچونکو شبکو ددسیسو دشندولوهو په غرض یوه ائتلافی جبهه جوړه کړی.

دا به ستره اشتباه وي که یو له ملي، دموکراتیکو، ترقي غوښتونکو او وطن پر ستو افرادو، محافلو، ډلو، سازمانونو دا قوتونو څخه د خودخواهیو او په خپلو کي داختلافاتو په اساس، یا دشخصی او سازمانی بلند پروازیو او دداخلی او خارجی دښمنانو دلمسون په اساس په غلطه سره په اوسنی حال کښي خپل عمده دښمن په خپل مینځ کی وټاکی او دانتخاباتی مبارزی په جریان کی یو بل سره شنډ کاندی او په پای کی په انتخاباتو کی دارتجاعی محافلو دبریالیتوب سبب شی.

ترکومه ځایه چه دافغانستان دخلك دموکراتیك جریان پوری اړه لری به میرانه، صراحت او بشپړ صدا قت سره د هر ډول رفیقانه، صمیمی او دوستانه مفاهمی دپاره دائتلافی جبهی دشکل او خصوصیت په باره کی، د کلي دښمن په مقابل کی د کلي عمل، ګډ پلټفورم، او ګډی حوزو دصحیح او ګټور ویش د پاره خپل چمتوالی اعلانوی.

لا هم وخت شته، باید ژ ترژره له ملي لوړو دودونو سره سم خپلی مشورتی جرګی تشکیل کړو.

که داسی و نشی، نو دواقعی ملی - دموکراتیکو ترقي غوښتونکو او وطن پرستو عنا صرو ترمنځ له تیتوالی او نفاق څخه د را پیدا کیدونکو عواقبو مسؤولیت به دنفاق اچونکو او پاره ونکو په غاړه وی چه دافغانستان خلك او ملت به یی و نه بخشی او دافغا نستان دخلك دموکراتیک جریان به له اوضاع او احوال سره سم د خپلی انتخاباتی جاری پالیسی مطابق په زړه ورتیا سره مخ په وړاندی درومی.

(ج.د.خ.ا)

افکار عامه توقیف‌های خودسرانه

و غیرقانونی را محکوم می‌سازد

بر طبق خبر روزنامهٔ اصلاح (چهار شنبه ۱۷ ثور) - سه تن از جوانان وطن پرست ولسوالی گذره و لایت هرات: عبدالعلی کارگر، غلام سخی دهقان، و غلام فاروق محصل پوهنځی انجنیر ی بالترتیب هر یك به چهار سال و سه سال حبس محکوم گردیده‌اند. در خبر منتشره در روز نامه اصلاح ادعا گردیده است که گویا ایشان «در ایجاد بی‌نظمی و تشویش میان مردم هرات و توهین دستگاه رسمی و دو لتی» دست داشته‌اند.

قدر مسلم این است، قانون شکنان که خود را مجری قانون می‌دانند و کسانی که عقده تفوق و حقارت دارند به بهانه ایجاد بی‌نظمی و «اخلال امنیت» دست به یك سلسله اعمالی می‌زنند که در واقعیت امر خود به شیوه انتقام‌جویانه مؤجد بی‌نظمی و اخلال امنیت می‌گردند. تجربه نشان داده است: هنگامی‌که مردم به استناد و استفاده از حقوق و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی علیه قانون شکنی‌ها سوء استفاده‌ها، استبداد، ستم، ارتشاء و استثمارمبارزه کرده ریشه‌ها و علل مرتکبین و مجریان آن‌ها را جستجو و افشاء نموده‌اند، مقامات مربوط دولتي فوراً اتهام «برهم زدن نظم و آرامش و اخلال امنیت» را بر آن‌ها بسته‌اند، که چنین شیوه‌یی از دیر زمان بدین طرف از جانب مقامات دولتی نه تنها در هرات، بلکه در تمام ولایات دیگر و در مرکز (کابل) به‌شدت تعقیب و اعمال می‌گردد.

استفاده ازین بهانه اکنون عام گردیده است، چه‌بسا کارگران شریف و زحمت کش که تحت همین عنوان از کار اخراج و آواره شده و جوانان وطن‌پرست از حق تحصیل محروم می‌گردند، مأموران پایان رتبه و معلمان وطن‌پرست به این بهانه به عناوین مختلف اضافه بستی، تبدیلی‌های نابهنگام و غیرطبیعی و به طرق و دیگری بی سرنوشت و سرگردان می‌شوند.

پیوسته به ملاحظه رسیده است: کارگران، شاگردان و محصلانی که جهت تأمین خواست‌های صنفی و عادلانه خود به اعتصاب، مظاهره و تشکیل میتینگ‌هایی دست زده و مطالبات خود را اظهار کرده‌اند، برای عدهٔ مورد نظر آنان تحت همین بهانه معمول «ایجاد بی‌نظمی و اخلال امنیت» دوسیه ها ساخته شده، به‌طور غیرقانونی بازداشت گردیده، به محاکمه کشانیده شده و زندانی گردیده‌اند. در حالی که عملاً قانون شکنی و شیوهٔ حرکت تحریك آمیز مقامات دولتی فضای بی‌نظمی و تشویش را خلق کرده است. اگر چنین نباشد به‌طور مثال، اولاً در برابر شمول عدهٔ زیادی از فارغ‌التحصیلان صنوف دوازدهم لیسه‌های مرکز و ولایات کشور به پوهنتون، که باتحمل هزاران مشکل، آرزو و اشتیاق ادامه تحصیل را دارند، ایجاد مشکلات به‌طور مصنوعی به‌وسیله سیستم کانکور غیرعادلانه، چه مفهومی دارد؟ ثانیاً چرا تا مدت زیادی در برابر خواست‌های معقول ایشان بدون موجب مقاومت صورت گرفت و ثالثاً در برابر فیصله صریح ولسی‌جرگه که نصاب نمرهٔ شمول به پوهنتون را شکست مهر سکوت بر لب زده شده، تعلل به خرج داده شده است، آنگاه که محصلان سرگردان و با سرنوشت مجهول به‌طور قانونی و مسالمت آمیز برای احقاق حقوق خویش مبارزه کردند عده‌یی از ایشان خلاف قانون بازداشت گردیدند، همچنین روش خنثی که در برابر خواست‌ها و مبارزات قانونی شاگردان لیسه نجات و لیسه‌های دیگر مرکز در آغاز سال جاری در پیش گرفته شد مؤید آنست که چگونه برای ادامهٔ وضع ایجاد شده عمداً تحریکاتی صورت گرفت، عوض آنکه در برابر آنان با ابراز اندکی حوصله و نرمش پذیری برخورد درست صورت گیرد و جوانب معقول خواست‌های ایشان برآورده شود به‌طور تحریك آمیزی به بازداشت عده‌ای از شاگردان لیسه‌های نجات، غازي و حبیبیه اقدام گردید.

تمام این اعمال تحریك آمیز، تهدید و فتنه‌انگیزی‌های پو لیس، څارنوالی و دیگر مقامات دولتی می‌رساند که تصور گردد عمد و سوء نیتی در کار است تا با ایجاد فضای بی‌نظمی به بهانه «اخلال امنیت» با توجیه نادرست مواد قانون اساسی و استناد به قوانین کهنه مناقض روحیه و مواد مصرح قانون اساسی به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم دستبرد زده شود.

مردم از دیر زمانیست که این سوء نیت محافل حاکمهٔ ارتجاعی کشور را درک کرده‌اند و برای همیشه در برابر آن خاموش نخواهند نشست، که البته مسؤولیت ناشی از آن به عهدهٔ آنانی خواهد افتید که خود به شکل تحریك آمیزی امنیت را اخلال می‌نمایند و می‌خواهند مؤجد آن دیگران را نشان دهند.

افکار عامه بر مقامات حاکمه در مورد بازداشت و توقیف جوانان وطن‌پرست هرات، معلمان و محصلان فارغان و شاگردان لیسه‌های مرکز و ولایات کشور به بهانه «اخلال امنیت»، اعتراض می‌نمایند و رهایی فوری آنان را انتظار دارند.

مسؤولیت عواقب خطرناک

جنگ در شرقمیانه بدوش اسرائیل است

اسرائیل با اعزام کوماندوها در داخل خاك جمهوریت متحد عربی جهت اجرای مأموریت‌های تخریبی در منطقهٔ نیل علیا امکان حل پرابلم شرق میانه را از طرق مسالمت آمیز، بیش از هر وقت دیگر محدود ساخت و به این منطق که مسأله اعراب و اسرائیل را تنها از راه اعمال قوت می‌توان حل کرد، بیشتر قوت بخشید، و امیدواری‌های خوش‌بینانه دربارهٔ نتیجه کنفرانس وزرای خارجه چهار کشور بزرگ را به ناامیدی نزدیك گردانید. تحریکات جدید اسرائیل نشان داد که حتی پلان شش فقره‌ای ملك حسین پاد شاه اردن با تمام گذشتی که در آن به نفع اسرائیل صورت گرفته بود، نمی‌تواند متجاوز را مجبور سازد که به ندای عقل سلیم گوش دهد.

صدراعظم اسرائیل برای درست جلوه دادن این عمل ماجراجویانه حکومت خود می‌گوید که اجرای عملیات تخریبی در داخل خاك جمهوریت متحد عربی، که در آن بر اساس ادعای خود اسرائیلی‌ها، نه پل و یک لین انتقال برق در منطقه نیل علیا از بین برده شد، به‌منظور آن صورت گرفت تا جمهوریت متحد عرب آور بند (۷) - جون ۱۹۶۷ پیشنهادی ملل متحد را مراعات کند.

به ملاحظه آتش باری‌های توپخانهٔ اسرائیل در امتداد کانال سویز، تعرضات هوائی اسرائیل در شرق دریای اردن و سطوح مرتفع گولان در داخل خاک سوریه و دیگر تحریکات اسرائیل و به استناد راپورهای ناظرین ملل متحد می‌توان گفت که این ماجراجویان صهیونی هستند که اوربند را نقض کردند، نه اعراب. مضحکتر اینکه اسرائیل از جمهوریت متحد عربی و دیگر کشورهای ذیعلاقه عربی می‌خواهد که مقررات اوربند در داخل خاك خود را مراعات نمایند، چه این اوربند از طرف ملل متحد پیشنهاد شده است، در حالی که خود هیچ گونه اعتنائی به فیصله ۲۲ نوامبر سال ۱۹۶۷ که شامل بیرون کشیدن عساکر اسرائیل از مناطق اشغال شده می‌باشد، نمی‌کند. توقع مراعات اوربند از اعراب معنی آن را دارد که آن‌ها (اعراب) باید وضع موجود را با سرحدات موجود بین اعراب و اسرائیل مراعات نمایند، در صورتی که اسرائیل چندین برابر خاك اصلی خویش زمین‌های مربوط به اعراب را (در فلسطین و دیگر کشورهای عربی) ، اشغال نموده و پیوسته اعلان می‌دارد که حاضر نیست از سرحدات فعلی عقب برود، جز منطق زور هیچگونه معقولیت ندارد. چنین تقاضا در حکم آنست که اعراب تصرف سرزمین‌های‌شان را توسط اسرائیل به رسمیت بشناسند و بگذارند که صهیونیان و امپریالیست‌ها آنچه را که از طریق تجاوز و آواره ساختن دو ملیون عرب به دست آورده‌اند، با خاطرآسوده تصاحب نمایند و پلان‌های مربوط به سیاست توسعه جویی خود را در ساحه وسیعی بین نیل و فرات پیش ببرند.

(ص ۳)

قلم آسیایی - اهدا به انعکاس دهنده طرز فکر مردم راه رهایی که ما

ماده (۱۲۸) قانون اساسی حکم می‌کند: «قوانینی که قبل از تاریخ انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده می‌شود که مناقض احکام این قانون اساسی نبوده و قوانین جدید را الغا نکرده باشد»، ولی هیأت حاکمه افغانستان بنا بر خصلت ضد دموکراتیک و ضد خلقی و باوجود «نشخوار» مکرر «تطبیق و احترام به قانون اساسی» در جهت مخالف آن عمل می‌کنند.

طرز استفاده از احکام قوانین و وضع قوانین غیر دموکراتیک به‌صورت عمدی و توطئه آمیز، نشانهٔ بارز اختناق به‌اصطلاح «قانونی!» و آزادی‌های دموکراتیك است.

در جوامع مبنی بر ظلم و استبداد مانند افغانستان قوانین جز آلهٔ تطبیق مقاصد منفعت‌جویانه و بی‌شرمانهٔ اقلیت ممتاز و حاکم بر سرنوشت جامعه چیز دیگری نیست.

بنا بر اصل فوق، اسناد و مدارك فراوانی به دست است که قوانین مناقض با قانون اساسی قوت «قانونی!» داشته و باکمال جسارت و بی‌ترسی از روز قضاوت ملی، تطبیق آن‌ها فرمایش داده می‌شود. حفظ این وضع شرم آور و قرون وسطایی حرص و ولع هیأت حاکمه را اشباع نتوانسته، برای منکوب نگه‌داشتن آزادی‌های طبیعی و مصرح در قانون اساسی خلق‌های کشور ما، قوانین بسیاری متناقض با قانون اساسی تدوین و در معرض تطبیق گذارده شده و هدف عمده از وضع چنین قوانین خصومت با آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و دموکراسی است.

ارتجاع سیاه افغانستان از استقرار این وضع، از یك طرف برای سرکوبی افراد، گروه‌ها و یا جمعیت‌هایی که برای ایجاد یك دموکراسی واقعی مبارزه می‌کنند، بهره برداری می‌کند و از طرف دیگر به حیث سلاح تهدید، رعب و وحشت علیه نیروهای تحول طلب وطن پرست و ضد ارتجاع استفاده می‌نماید.

اصولنامه جزای مأمورین و جرایم سایر اشخاص علیه «امنیت و منفعت عامه» که بعد از جوزای سال ۱۳۴۲ یعني يك سال و سه ماه قبل از نشر قانون اساسی جدید در عرصهٔ تطبیق گذارده شده و جمعاً محتوی بیست و يك مورد صرف اعدام برای مأمورین و سایر مردم می‌باشد، قبل از همه مرام‌های شوم طبقه حاکمه را تأمین می‌کند، این اصولنامه نه تنها مناقض قانون اساسی می‌باشد، بلکه احکام مواد اسارت آور آن در زندگی اجتماعی، سیاسی و اداری همه مردم ما «خاصه مردم بی‌وسیله و مأمورین پائین رتبه» دخالت مستقیم داشته و روزانه بر صدها نفر به اساس آن احکام جزائی صادر می‌گردد، بنا بران از همه اول‌تر به ارزیابی اصولنامه مذکور می‌پردازیم.

اصولنامه امنیت عامه:

اصولنامه جزای جرایم مأمورین، دارای دو بخش مربوط به مأمورین و سایر اشخاص بوده که تبعیض آشکار بین مأمور و سایر افراد مملکت در تشخیص جرم و تعیین جزا، تفکیك مواد جزائی برای مأمورین و دیگر افراد در مقابل جرایم مربوط به مصالح عامه، محروم نمودن مأمورین از داشتن مرام و اهداف مشترک و بالاخیر تثبیت جزاهای طاقت فرسا و ضد کرامت بشری، ضد دموکراتیك و ضد قانون اساسی از مختصات آن به شمارمی‌رود.

ماده (۸۳) اصولنامهٔ امنیت عامه تصریح می‌کند: «اگر سه نفر از مأمورین دولت و یا زیاده از آن وظیفهٔ خود را ولو به‌صورت استعفا باشد به‌اتفاق همدگر و یا به‌قصد نیل يك مرام مشترك ترک گویند ... هر يك به حبس از سه ماه تا يك سال یا به پرداخت جریمه از سه تا پنج هزار افغانی محکوم می‌گردد.»

درین جا سؤالی مطرح می‌گردد که چرا گروه حاکمه ارتجاعی از اتحاد، اتفاق و داشتن مرام مشترك حتی سه نفر مأمور ترس و وحشت دارد و روی چه منظوری نصوص صریح قانون اساسی را معلق گذاشته، به تطبیق احکام اصولنامه امنیت عامه باوجود ضد دموکراتیک بودنش، عمل می‌کند؟

جواب ساده و روشن است! دستگاه رو به زوال حاکمه برای حفظ منافع تنگ‌نظرانهٔ خود نه تنها از فقر کشنده اقتصادی اکثریت مأمورین بهره برده است، بلکه در عین حال چرخ فاسد اداری را نیز به قیمت سلب حقوق طبیعی و قانونی آن‌ها اداره نموده و مأموریت دستگاه را به بردگی فکری تنزل داده است. آزادی تشکل، اتحاد، داشتن مرام مشترك که مطابق به احکام ماده (۳۱) و (۳۲) فصل «حقوق و وظایف اساسی مردم» در قانون اساسی، حق مسلم اتباع افغانستان شناخته‌شده و مأمورین نیز جزء اتباع افغانستان اند، در قانون امنیت عامه جرم تلقی گردیده و در مواقع و حالات خاص تطبیق حکم ماده (۸۳) د اصولنامه امنیت عامه را دستور می‌دهند.

البته برای جبران این حق تلفی نابخشودنی به‌زعم خودشان موادی هم در اصولنامه امنیت عامه در نظر گرفته شده که مطابق با ماده (۱۴۱)، (۱۴۲) و (۱۴۳)، اصولنامهٔ مذکور کسی حق ندارد مأمور دولت را در حین اجرای وظیفه توهین نماید مقابل اوامر قانونی مأمور مقاومت کند و یا موجب ضیاع «انرژی !» مأمور شود.

همه می‌دانند که این امتیاز در انحصارمأمورین ستمگر و عالی رتبه و مأمورین پاسبان منافع آزمندانه طبقهٔ حاکمه قرار دارد. سیستم حقوقی فرسوده ما عاجزتر از آن است که برای مأمورین پایان رتبه و شریف »حیثیت «و »انرژی «تدارك نماید. دستگاهی که می‌لافد که جلو توهین مأمورین را گرفته و یا تظاهر می‌کند که گویا به انرژی مأموران علاقه‌مند است، باید بداند که »اشك تمساح «به حال مأمور ریخته و خود عامل عمدهٔ ضیاع انرژی آن‌ها به شمارمی‌رود و روزانه صدها توهین آشکار به مأمورین پائین رتبه روا می‌دارد.

اصولنامه امنیت عامه برای قشر مسلط به سرنوشت مردم ما امکانات وسیعی داده و خائنین بیت‌المال و دارائی‌های عامه مربوط به این قشر را، مجال هرچه بیشتر خیانت داده است، مثلاً ماده (۸۰) اصولنامه امنیت عامه تصریح می‌نماید: »هر مأمور دولت که از اموال منقولی یا غیرمنقولی دولت برای منفعت شخصی خود مخالف قانون استفاده نماید به جبران خساره وارده به دولت و به جزای يك سال تعطیل ملازمت محکوم می‌گردد، اما، ماده (۱۱۳) اصولنامه مذکور حکم می‌کند: »هر مأمور دولت و هر شخصی که اموال نقد یا جنس دولتی در نزد او به صیغه امانت، تحویل ... و او اموال مذکور را اختلاس نماید به رد مال اختلاس شده و به پرداخت جریمه معادل قیمت آن و به حبس از سه تا هفت سال با اعمال شاقه یا بدون اعمال شاقه محکوم می‌گردد.«

متن هر دو ماده بیانگر عمل جرمي واحد و آن‌هم دستبرد به دارائی‌های عامه است، پس چرا در يك ماده آن‌قدر جزای سنگین و در مادهٔ دیگر این قدر گذشت و حاتم بخشی صورت گرفته؟؟ برای اینکه هیأت حاکمه به آن عدهٔ مأمورینی که شریك زد و بندهای شان اند و یا در جریان تعقیب و محاکمه بتوانند »شرف «اشتراك را حاصل نمایند راه گریز »قانونی!! «داشته باشد و آن‌هایی که بخواهند به تنهائی دارائی عامه را هضم نمایند و یا بعضاً بر سر بالائی‌ها کلاه بگذارند قانون را عملی کنند.

حکم ماده (۱۱۳) اصولنامهٔ امنیت عامه واضحاً هوشیار باشی‌ست برای خائنین زرنگ و تردست، برگ ساتری‌ست برای پوشاندن خود سری‌ها و زدوبندها – شلاقیست کوبنده برای خائنین کند ذهن، ناشی و آن‌هایی که می‌خواهند عاید خیانت تنها به جیب خودشان بریزد، و اما حکم ما ده (۸۰) اصولنامهٔ امنیت عامه، حکم قانون است برای مختلسین و خائنین واقعی، سابقه دار و قانع به سهم خود از عاید خیانت.

هلمند

باید قوانین ضد دموکراتیک- ضد خلقی

و ضد ارزش‌های دموکراتیك قانون اساسی لغو گردد؟

ما بارها اعلام کرده‌ایم که باید علیه قوانین و مقرراتی که مناقض آزادی‌های مصرح در قانون اساسی است و حقوق و آزادی‌های دموکراتیك فرد کشور را نقض می‌کند، در چوکات اصول مبارزه کرد. مقامات حاکمهٔ افغانستان می‌کوشند از یک‌طرف خلاف حکم ماده (۱۲۸) قانون اساسی، قوانینی را که قبل از انفاذ قانون اساسی با ماهیت ارتجاعی و غیر دموکراتیك نافذ بود، علی رغم تناقض صریح آن با ارزش‌های دموکراتیك قانون اساسی همچنان پابرجا نگهدارند تا امکان داشته باشند آنجا که منافع شان ایجاب می‌نماید آن را در برابر حقوق و آزادی‌های دموکراتیك افراد استعمال کنند و از جانب دیگر تلاش می‌ورزند با ایجاد قوانین و مقررات جدید، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم را به شکل توطئه آمیزی تحدید نمایند.

ما می‌خواهیم درین جا با نشر يك سلسله تحلیلات حقوقی پرده از روی ماهیت قانون گذاری قانون ـ گذاران دستگاه حاکمه برداریم، تا مواد اساسی مبارزه در برابر قوانین و مقررات ف توت و ضد ارزش‌های مثبت قانون اساسی و ضد آزادی‌های دموکراتیک مردم را در پیشگاه خلق و به خاطر مبارزه روزمره گذاشته باشیم.

از (ص اول)

برنامه‌های نمایشی هرگز نمی‌تواند ...

حیات مرفه، آبرومند و در خورشان ایشان و بالاخره با حمایت راستین و عملی ازین گروه ارجمند و مؤثر در تسریع تکامل سویه علمی و فرهنگی جامعه، خدمتی سزاوار به احیا و ایجاد فرهنگی ملی و مترقی در مملکت انجام داد.

معهذا، عاملان دستگاه حاکمه بجای اینکه به این امور حیاتی بیندیشند و در جهت تا مین حقوق و آزادی‌های دموکراتیك معلمان و استادان شریف و وطن‌دوست کشور گامی مثبت و عملی بردارند، پرده استتاری از سروصداهای تبلیغاتی و برگزاری مراسمی به‌عنوان به‌اصطلاح «روز معلم» که این روزها هنگامهٔ آن در محافل علمی و فرهنگی کشور ما گرم است، بر روی ماهیت ارتجاعی و ضد فرهنگ ملی و مترقی خویش می‌کشند و تصور می‌کنند صرف با ترتیب برنامه‌های نمایشی و محافل ساز و سرود می‌توان به حال استادان و معلمان ناتوان کشور پرداخت و گرهی از مشکلات بیشمار آنان گشود. معلمان فداکار، استادان شریف و وطن‌پرست!

این دوای دردهای روانکاه شما نیست. باید به خاطر تأمین حقوق صنفی معلمان و ایجاد اتحادیه‌های کلپ‌ها و انجمن‌های دموکراتیك، به خاطر آزادی تدریس دانش مترقی، به خاطر احیا و انکشاف فرهنگ ملی و طرد استعمار پلید فرهنگی کشورهای امپریالیستی و بالاخره به خاطر ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شعور طبقاتی، سیاسی و اجتماعی معلمان و استادان، شاگردان و محصلان زحمتکش و ستمدیده کشور متشکل شد و متناسب به شرایط مبارزه کرد و در جنبش آزادی بخش ملی و اجتماعی کشور فعالانه شرکت جست.

نامه‌هایی از خارج:

زنده و جاوید باد مردم زحمتکش

افغانستان!

پیوسته موجی از نامه‌های لبریز از احساسات وطن‌پرستانه و ترقی‌خواهانه از دوستان پرچم خلق، از خارج و داخل کشور به‌عنوان دفتر جریده و اعضای فراکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغان نستا ن می‌رسد که هر يك از آن‌ها به نحوی از انحا به گوشه‌یی از نشرات پرچم خلق (ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغان نستا ن) و مبارزات پا رلمانی و خارج پارلمانی ما علاقه و تماس گرفته، آن را تائید و از جریان پیش آهنگ طبقه کارگر کشور حمایت و پشتیبانی خود را ابراز می‌دارند.

ما، بر آنیم که وصول این نامه‌ها از طرف دوستان ارجمند خلق، نشانهٔ درك سالم و علایق خلل ناپذیر آن‌ها به نهضت رهایی بخش ملی و اجتماعی، به نحوه نشرات و اصول مبارزات ما وایمان به حقانیت مبارزه در جهت تأمین منافع خلق ستمدیده افغانستان و درک ضرورت قرار گرفتن در يك سنگر و جبهه ایست که ما بارها لزوم آن را برای به پیروزی رسانیدن جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی خلق‌های محروم کشور تأکید کرده‌ایم، بنا بر آن نشر کامل و یا قسمتی از آن را در صفحات پر چم، به‌عنوان انعکاس مثبت مبارزات (جریان پیشتاز دموکراتیك خلق افغانستان) و احساسات، افکار و اندیشه‌های سالم دوستداران خلق کشور بجا می‌پنداریم.

به همین سلسله درین جا، به‌صورت نمو نه من‌حیث‌المجموع به نشر قسمت‌هایی از دو نامه رسیده از خارج کشور می‌پردازیم که به نمایندگی از محصلان افغانی در هامبورگ، به‌عنوان جریده پرچم و فراکسیون پارلمانی جریان دموکراتیك خلق افغانستان رسیده است.

***

به‌عنوان فراکسیون پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان!

«چندی قبل یکی از بیانیه‌های شما به دسترس اتحادیه رسید و در یکی از جلسات اتحادیه مورد بحث قرار گرفت که باعث افتخار و دلگرمی و تقویه بیشتر اعضای اتحادیه درراه بهبودی و از بین بردن هر نوع ارتجاع و قوای ضد دموکراسی زحمتکشان، و روی کار آوردن سیستم عالی اجتماعی بشری به اساس قوانین دموکراسی برای سعادت اولاد وطن گردید.

مفتخریم از اینکه جوانان ملی و حساس مملکت، نمایندگان حقیقی و پردرد ملت خود را از نزدیك به دردهای ملی و اجتماعی ایشان آشنا نموده و ریشه اصلی آن را به‌طور علمی تحلیل و تجزیه کرده، برای از بین بردن آن با عشق سرشار و عزم آهنین علمی و عملی اقدام نموده‌اند. ما همه نظریات شما را احترام نموده راه نجات ملت را در غیر سرمایه داری و غیر فئودالی می‌نگریم. برای حاصل نمودن این هدف لازم میدانیم تا از همه اول‌تر به کمک همدیگر بکوشیم که اتحاد و اتفاق رابین توده‌های مردم پهن نماییم ... جوانان حساس و منور مملکت، رهبران ملی و همدرد دردمندان محروم به اهمیت این نقطه متوجه گردیده، همه با يك عزم متین و اراده آهنین در راه عملی نمودن آن علما و عملاً قیام نموده و روز بروز بر تعداد خویش می‌افزایند ...

... امیدواریم که به قوت همدیگر روزی به هدف واقعی نایل گردیده ملت محروم و عقب افتاده افغان را از بدبختی‌ها و بیچارگی‌های اجتماعی، ذلت و خواری، محرومیت‌های مادی و معنوی، طبقه بندی مذهبی و نژادی (به نفع سرمایه داران بزرگ و...) کمپلکس‌های اجتماعی آقایی و غلامی نجات داده و کلید راه ترقی و سعادت ملت افغان را به دست توده‌های زحمتکش بسپاریم تا سرنوشت خود را خود تعیین نموده، همه جا بدون استثنا در منافع ملی و اجتماعی خویش مساویانه حصه گیرند.

... امیدواریم تماس نزدیك و عمیق اتحادیه با شما و همه خواهران و برادران و همکاران محترم که عین نظریات ملی، اجتماعی و انسانی را در راه سعادت ملت و وطن تعقیب می‌نمایند، باعث تقویه بیشتر در راه پیشبرد اهداف ملی و اجتماعی و انسانی برای سعادت مردم و وطن گردد.

... در اخیر عمیق‌ترین احساسات اعضای اتحادیه را خدمت شما و جمیع خواهران و برادران حساس و ملی، فدائیان راه حق، مجاهدین ضد ارتجاع و هر نوع قوای امپریالیستی و ضد دموکراسی تقدیم نموده، موفقیت مزید ایشان را که موفقیت ملت است خواسته و خواهانیم.

«زنده و جاوید باد مردم زحمتکش افغانستان»

***

به‌عنوان جریده پرچم - ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

«چندی قبل چند شماره از اخبار شما به ما رسید. آشنایی و مطالعهٔ مضامین آن دلگرمی بیشتری در راه سعادت و بهبودی ملت و وطن بما عرضه نمود. بدین وسیله عمیق‌ترین تبریکات خویش را به تمام جوانان و نمایندگان حقیقی مردم افغان در راه آزادی بیان و مفکوره تقدیم می‌داریم.

...اتحادیه ما با جمیع قوای خویش کوشا بوده و می‌باشد تا با همه محصلین و محصلات و افغانی چه در داخل و چه در خارج و همچنان نیروهای که در راه بهبودی مردم و وطن مصروف آماده نمودن و پیدا نمودن راه‌های انکشاف می‌باشند، تماس نزدیك و عمیق حاصل نماید. امیدواریم قایم نمودن ارتباط نزدیك و عمیق اتحادیه ما با شما و جمیع همکاران محترم شما باعث آبادی يك خشت مستحکم دیگری در تعمیر دموکراتیک خلق افغانستان باشد.

... در اخیر احترامات و احساسات عمیق اعضای اتحادیه را برای جمیع برادران و دوستان گرامی، آنانی که قلوب حساس خویش را از درد دردمندان آگنده اند و با جمیع قوای خویش در راه از بین بردن آن مجادله می‌نمایند رسانیده، مؤفقیت‌های مزید ایشان را خواسته و خواهانیم.

زنده و جاوید باد جوانان پر درد و فدائیان راه خوشبختی مردم »

د زرمل د ولسوالی خلک

خپل حقوق غواړی

مور دشور کچی، محمد فضل، عالیخیل، نظرخان، مریکټ، شراب الدین، کرشو او میرجان خیل کلي خلك چه تقریباً دوه سوه کورنیو ته رسیږو او زمونږ ځمکی او کورونو دسردی دبند د کاسی تر اوبو لاندی شوی، دحا کمی دستگاه پرغیرعادلانه او غیرقانونی اعمالو په کلکه اعتراض کو.

اته کاله دمخه چه دسردی د بندد پروژی کار شروع کیده، مونږ پدی خوشحال وو چه ددی بند دسر ته رسیدلو په نتیجه کښی به څه آباد شوو، مگر له بده مرغه د حکومتی کارکوونکو طرزالعمل دهغو خلکو په مقابل کښی چه خپلي ځمکی او کورونه یی د بند په کاسه کی له لاسه ور کړل، مور نا امید کړو.

کله چه لومړی حکو متی هیأت زمونږ د کورونو او ځمکو دبرآورد او قیمت ایښولو له پاره زمو نږ سیمی ته راغی نو دطمعی او رشوت جیبونه یی خلاص کړل او تر هر څه دمخه یی تقریباً دهر یوه اوسیدونکی دوه حصی ځمکی مخروبه او یوه حصه یی دځښتن په نوم ثبت کړل او دخوار ولس د زاریو په مقا بل کښی یی په ډاګه وویل چه یواځی دروپی یعنی رشوه په بدل کی به مور خپله نظریه بدله کړو. خلکو وویل چه بابا دا مالیه ده ځمکه ده تا سو ولی خرابه ولیکلي؛ خو ددوی دآواز داوریدلو غوږونه کاڼه وو.

وروسته یوبل هیأت دکورونو د برآورد دپاره له مرکز نه راغی او دغه هیأت هم د تیر هیأت په شا ن په غیرعادلانه ډول په کار پیل وکړ او کوم کور او حویلی به چه لس کوټی درلودی هغه به یی پنځه شمیرلی او دخلکو داعتراض او استغاثی په مقابل کی به یی په ډاګه ویل چه دزرو افغانیو دورکولو په عوض کی به دلس زره افغانیو برآوردکړی. پدی صورت غریبو او ناداره خلکو په سلو کي پنځه اویا خپل حقوق له لاسه ورکړی.

وروسته دسردی د بند آمریت خلکو ته د نقل مکان امر ورکړ اودا امر دژمی په لومړیو شپو کی په مظلوم ولس باندی لکه تندر نازل شو، هماغه وچه دبند اوبه دآمریت په امر جاری شوی او په نتیجه کښی یی ددوو کلیو فصلونه تر اوبو لاندی کړل چه تقریباً دوو لکو روپو تاوان یی خلکو ته واړوه. د کلیو اوسیدونکو په ویر اخته شول او د بند له آمر یت څخه یی خیمی یو ړی او په دشتو کی میشته شول.

د مظلومو خلکو نمایند گا ن کابل ته راغلل خو دلویو بنګلو او لویو مقاماتو خاونـدانو دوی تـه لاره ورنکـړه، یواځـی ولـسی‌جرګه د خلکـو تـر عریضی لاندی دو مره ولیکل: «تر څو چه دولس دسرپناهي لپار کورونه او دزراعت لپاره ځمکی ور نکړی شی دسردی دبند آمریت حق نلری چه دوی په نقل مکان مجبور کړی.» په نتیجه کی دمربوطه وزارت له خوا خلکو ته ډاډ او وعدی ورکړی شوی چـه ستاسـو دځمکـی او کورونـو دعادلانه برآورد له پاره به عادلانه اجراآت وشی هماغه و چه نوی هیأت زمونږ منطقی ته راورسید، مگر دغه هیأت هم د پخواني هیأت په شان و، یواځی یو شی په اضافه شو هغه دا چه دسردی دبند آمریت له خلکو سره په عناد او ضدیت پیل وکړ او امریی وکړ چه باید ټول کلی دی ژرترژره تخلیه شی او دا امر په ژمی کی دخلکو د قتل عام حکم درلود. خلکو دحکومتی هیأت په ځواب کي وویل چه دژمی په سرو یخنو ی ځانونه، ما لونه او دژوند لوازم نشو خوندی کولای او دولسی جرګی په فیصلی چه د سردی بند د امریت ته دوزارت زراعت په سلسله رسیدلی ده، استناد کوو. خو دغه «سند» هم ونشوای کولای چه دخلکو دپاره آسانتیاوی برابری کړی. له همدي کبله مو د پـرچم اداري تـه مـو خپل آواز ور ورساوه او غواړو چه ددی خلکی او ملی جریدی په وسیله خپل له دردونو نـه ډك غـږ خلکـو تـه ورسـوو او د حکومت پر دی ظالمو او رشوتخورو کارکوونکو باندي خپل نه کرکی ډك اعتراض وکړو.

نمونه‌یی از انکشاف سلیم (!)

معارف در ولایت کندز

از آنجا که جریده پرچم انعکاس دهنده آرمان‌های والای خلق است، آرزو داریم این تذکر ما را در یکی از صفحات خوبش به نشر بسپارد. دستگاه تبلیغاتی محافل حاکمه پیوسته پیرامون معارف متوازن (!) حرافی می‌کنند و می‌کوشند تا خود را هواخواه صدیق تعمیم معارف در کشور نشان دهند و بـه‌زعم خویش بر روی خصلت طبقاتی و ملاکی آن پرده بیندازند و چهرهٔ نامطلوب آن را با زرق و برق تبلیغاتی بیارایند، غافل از اینکه صد ا مثال زنده و گویا در رد این ادعای میان تهی و عوام‌فریبانه آن‌ها به‌صورت عینی وجود دارد.

ازجمله وضع رقت‌بار شاگردان معارف ولایت کندز قابل توجه است: درین جا، در دارالمعلمین این ولایت صرف نظر از ذکر ماهیت فرهنگی پوسیده ملاکی، یك تعداد قابل ملاحظه از جوانان حساس و با درد طبقات زحمتکش در سرایی گردآورده شده‌اند، از چپرکت، بستر، داکتر و دوا، کتابخانه و مواد تدریسی اثری نیست و دردآورتر از همه اینکه شاگردان در اتاق‌های نمناك و غیر صحی تدریس (!) می‌شوند و شبانگاهان در لای یك کمپل، در هرگونه شرایط ناگوار جوی بر روی خاک می‌خوابند.

باوجود احساس نیازمندی شدید لیسه‌های دارالمعلمین، شیرخان، تخارستان و بلقیس ولایت کندز به معلمان دارای تحصیلات عالی و باتجربه و وارد به اصول سیستم عصری آموزش و پرورش حتی از تدریس لیسانسه‌ها در لیسه ها جلوگیری می‌شود، زیرا این امر به منافع متنفذین محلی و سرمایه داران معلوم‌الحال این ولایت انطباق ندارد، آن‌ها از انکشاف ذهنی و رشد شعور سیاسی فرزندان خلق‌های زحمتکش می‌هراسند و با انواع وسایل می‌کوشند از ورود معلمان ورزیده و لیسانسه‌هایی که می‌خواهند از طریق تشبثات خلاق آموزشی با ایجاد کنفرانس‌ها و نمایش درآمه ها و غیره متعلمان را به زوایای تاریک حیات اجتماعی آشنا سازند و راه مبارزه علیه ناهمواری‌های نظام فرسوده اجتماعی را بروی ایشان بگشا بند، جلو گیری نمایند. تازه به این‌قدر هم اکتفا نمی‌شود، بلکه به‌صورت ماهرانه می‌کوشند به‌وسیله باندها و دار و دسته‌هایی که از نازپروردگان طبقات ممتاز و استثمارگر در میان لیسه ها، مخصوصاً لیسه شیر خان به وجود آورده و میاورند، به مخا لفت علیه افکار مترقی و وطن‌پرستانه برخیزند، دست به اعمال تخریب آمیز بزنند و بدتر از همه تخم نفاق و تفرقه را با استفاده از وسایل و تبلیغات ظریفانه و گوناگون بین جوانان و فرزندان با درد و حساس طبقات زحمتکش بپاشند و هرگز به این نمی‌اندیشند که بار مسؤولیت عواقب وخیم این‌گونه اخلال گری‌ها و نفاق‌افکنی‌ها، بالاخره کمر عوامل ضد ملی و ضد دموکراتیك و دشمنان وحدت و همبستگی و رشد سیاسی و اجتماعی خلق‌های ستمدیده کشور را به‌طور وحشتناکی خواهد شکست.

این بود شمه‌یی از آنچه بنام تعمیم معارف (!) در کشور ما صورت می‌گیرد. گرچه ما عمیقاً عقیده داریم تا تغییر اساسی به نفع خلق و به دست خلق در جامعه ما نیاید، تنها فرهنگ و دانش آن‌هم با ماهیت و وسایل موجود نمی‌تواند کاری را از پیش برد، معهذا باید برای افشای چهره حقیقی معارف پروری‌های (!) دستگاه حاکمه برین حقایق تلخ روشنی انداخته شود.

ع.غ. پرواز از کندز

از (ص اول)

مسؤولیت عواقب ...

اگر اسرائیل به این ماجراجوئی‌ها خاتمه ندهد و فیصله نامه ۲۲ نو مبر ۱۹۶۷ را نپذیرد، وقوع جنگ دیگر که همین اکنون هم به‌صورت اعلان نشده جریان دارد و روز بروز در حال گسترش است، ناگزیر است و در آن صورت مسؤولیت عواقب وخیم آن بدوش اسرائیل و حامیان آن خواهد بود.

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

هنرپیشگان، مأموران فنی و مستخدمان ریاست کلتور اعتراض می‌کنند

گروپی از هنرپیشگان آرزومند، عده‌یی از مأموران فنی و گروهی از مستخدمان مربوط «ریاست کلتور» به دفتر جریدهٔ پرچم مراجعه و اعتراض نامه‌یی سپردند مبنی بر اینکه:

ایشان و رفقای همردیف آنان مدتیست به‌اصطلاح «اضافه بست» گردیده و اکنون سرگردان و بی سرنوشت به این در و آن در می‌دوند.

تأسف آور است! بجای آنکه واقعاً زمینهٔ رشد استعدادهای جوان و خلاق فرزندان مستعد این سرزمین و تکامل فرهنگی ملی در کشور تهیه دیده شود و لااقل در حال حاضر وسایل احیاء و انکشاف و معرفی هنر و فرهنگ ملی و خلقی افغانستان مهیا گردد، یك عده از هنرپیشگان جوان، باسابقه و پراستعداد وطن که سال‌هاست به اتکای ذوق، استعداد و پشت کار شخصی خویش، با ابراز فداکاری و ایثارمتاع گران‌بهای هنر و استعداد خود را در بازار کساد و بی‌رونق هنر ناشناسان کشور عرضه کرده‌اند و در برابر آن به‌نقد ناچیزی در امرآرمعاش قناعت ورزیده اند، به سرنوشت تاریك و مجهولی مواجه می‌گردند.

تعجب‌آورتر این که: کوری‌هایی بنام «آرت دراماتیک، با طمطراق و سروصدای تبلیغاتی عجیبی در «ریاست کلتور» افتتاح می‌گردد و عده‌یی از جوانان بامید آینده‌یی درخشان (!)، از تحصیل در رشته‌های دیگر علمی و هنری صرف نظر می‌نمایند، تا روزی از طریق تیاتر و تمثیل بتوانند مصدر خدمتی به وطن محبوب خود شوند، ولی علی رغم وعده‌های رنگین «ریاست کلتور» و آرزوهای شیرین هنردوستان، بالاخره این کورس آرت دراماتیك (!) بدون اکمال دوره تدریسی، تکمیل شده اعلام می‌گردد و شاگردان و هنرجویان جوانی که از همه چیز بریده و به هنر رو آورده بودند، باید به‌صف هنرپیشگان آواره به پیوندند و همچنان مأموران فنی و کارگران ماهر که درین صحنه دیگر نقشی ندارند و به‌اصطلاح «اضافه بست» شده‌اند.

هنرپیشگان آرزومند و بااستعداد، مأموران فنی و کارگران ماهر «ریاست کلتور» نسبت به این سرنوشت مجهول و آوا رگی بی‌دلیل و همچنان عدم اعتنای مقامات مسؤول به هنر، حیات و آیندهٔ خویش شدیداً اعتراض می‌نمایند و جداً تقاضا دارند تا به‌موجب ماده (۳۷) قانون اساسی افغانستان که: «کار حق فریضه هر افغانیست که قدرت اجرای آن را داشته باشد ...» به ایشان کار داده شود.

اعتراض اهالی معارف دوست

زرغون شهر ولایت لوگر بر مقامات معارف کشور

اگر این مکتب است و این تدریس حال طفلان خراب می‌بینم

زرغون شهر یکی از مراکز پر نفوس ولایت لوگر است. درین منطقه وسیع متأسفانه تنها یك بنوونځی ابتدائی وجود دارد که به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند جوابگوی عطش بی‌پایان مردم معارف دوست این گوشه کشور باشد و بنا بر وجود سیستم ناقص تدریسی، فقدان مواد مترقی علمی و کمبود معلمان ورزیده قادر نیست استعدادهای سرشار فرزندان این منطقه را به‌درستی رهنمایی کند، مهمتر از همه هر ساله یک عده از فارغان صنوف ششم آن در نیمه راه تحصیل، بی سرنوشت می‌مانند، به این معنی که تنها چند تن از فرزندان مربوط به طبقات ممتاز زغون شهر با اعمال نفوذ و استفاده از پیوندهای طبقاتی و منافع مشترك با بیروکراتان فاسد دستگاه حاکمه، به سهولت می‌توانند راه خود را به‌سوی بنوونځی‌های متوسطه ولایت و مرکز کابل و یا لیلیه های پایتخت باز نمایند و از شانس ادامهٔ تحصیلات عالی‌تر برخوردار گردند، ولی متباقی پسران طبقات محروم وبی زر و زور و واسطه بی س نوشت می‌مانند و اگر احیاناً عدهٔ انگشت شماری هم سعادت شمول در بنوونځی متوسطه محمدآغه را نصیب می‌شوند، بنا بر دوری راه و فقدان وسایل منظم حمل و نقل وعدم استطاعت مادی نمی‌توانند به تحصیل ادامه بدهند، لاجرم غیر حاضر می‌شوند، ناکام می‌مانند و بالاخره به دستور مقامات معارف از بنوونځی اخراج می‌گردند و به‌صف بیکاران و محرومان می‌پیوندند. گردانندگان معارف کشور علی رغم آنکه این حقیقت مشهود و نیاز واقعی مردم را به‌خوبی درک و احساس می‌کنند، بنا بر ماهیت معارف طبقاتی و فرهنگ مسلط ملاکی نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند لااقل با ارتقای بنوونځی ابتدائی زرغون شهر به یك بنوونځی متوسطه زمینه تحصیلات بالاتر را به فرزندان مستعد طبقات محروم این منطقه پر نفوس ولایت لو کر مساعد سازند.

بنا بر آن مردم معارف پرور زرغون شهر علیه این بی‌اعتنائی مقامات حاکمه نسبت به سرنوشت جگرگوشه‌های خویش، جداً اعتراض می‌کنند و ارتقای بنوونځي ابتدایی زرغون شهر را به بنوونځی متوسطه مطالبه می‌نمایند.

حبیب زرغون شهری

سیلاب حیات اهالی شهر خان آباد را

به نابودی تهدید می‌کند

سیل‌بری که همه ساله در موسم بارانی سال حیات اهالی زحمتکش شهرخان آباد را مورد تهدید قرارمی‌دهد، بر بالای شهر حاکم است. عمال حکومت تاکنون چندین بار بنام اینکه سدی در محل سیل‌بر برای جلوگیری از خطرات سیل تعمیر می‌کنند، از مردم ناتوان خان آباد به ملیون‌ها افغانی پول جمع کرده‌اند، معهذا هر باری که سیل عصیان کرده، به قیمت حیات و ضررهای جبران ناپذیر مالی برای مردم شهر تمام شده است. چنانکه سیلی به تاریخ ۳۰ حمل ۱۳۴۸ ازین مجرا سرازیر شد و در قدم اول پنج دکان را در مندوی خان آباد منهدم ساخت، این حادثه بجای اینکه مسؤولان امور را انتباهی دهد تا به فکر چارهٔ اساسی شوند، باز هم به شیوهٔ همیشگی در اندیشه پر کردن جیب‌های خود شدند و با صدور امر مسدود ساختن دکان‌های اهالی، مردم را مجبور کردند باز هم پول بپردازند و مطمئن (!) باشند.

مگر باکمال تأسف بروز ۴ ثور ۱۳۴۸ بار دیگر سیل‌بر به عصیانگری پرداخت و در نیمه شب چندین خانه را از پای در آورد، زمین‌های زراعتی را ویران کرد و در حدود مقدار سی خروار شالی را که عده‌یی از زحمتکشان بینوا به غرض پاک کردن به اجاره گرفته بودند، از بین برد و همه اهالی شهر را به وحشت و هراس مرگباری آن در ساخت.

شش روز ازین حادثه گذشت تا والی ولایت کندز به شهر خان آباد رسید. اهالی شهر در یك اجتماع تقریباً یک هزار نفری «به حضور، والی بار یافتند» تا حساب آن‌همه پول‌هایی را که در گذشته به غرض اعمار سدی اساسی برای جلو گیری از سیلاب پرداخته‌اند، بگیرند و یا لااقل در بارهٔ نجات آینده خویش ازین بلای بی‌امان با او داخل مذاکره شوند، ولی جناب والی بدون اینکه به مردم مجال مشوره و اظهار نظر دهد و یا با ابراز همدردی و همکاری با ایشان به دلداری و تسلی آنان بپردازد، اهالی درد رسیده را به «بغاوت» محکوم ساخته و مردم را به حبس و زندان تهدید کرد.

این است نمونه‌یی از حسن روابط و همدردی دستگاه اداری ولایت کندز با مردم ستمدیده وز زحمتکش شهر خان آباد.

اهالی نسبت با ین وضع غیرعادلانه و بی‌اعتنائی عمال دستگاه حاکمه به امور حیاتی خویش اعتراض می‌کنند و جداً می‌خواهند تا حکومت هرچه زودتر در مورد جلوگیری از عواقب خطرناك سیل‌بر حاکم بر شهر خان آباد، به اقدام عملی بپردازد.

ن.پ از خان آباد

اهالی وطن‌پرست اندخوی

اعتراض می‌کنند

جریده ملی پرچم خلق در شماره (۴۷) ۱۳۴۷ خویش حقایقی را در باره موانع ضد قانونی در برابر نشر ادبیات ازبکی و ترکمنی افغان نستان انتشار داد.

ما مردم وطن‌پرست اندخوی در حالی که خدمات ارجمند جریده پرچم خلق را در راه احیای زبان‌های ازبکی وتر منی کشور و مبارزات آن را در برابر موانع غیرقانونی دستگاه حاکمه مورد تقدیر و تائید قرارمی‌دهیم در مقابل این عمل ضد دموکراتیک مقامات مربوط اعتراض شدید خود را اعلام می‌داریم، چه در قانون اساسی کوچکترین مانعی درین زمینه وجود ندارد. اگر چنین نیست چرا در برابر نشر و برادکاست زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اردو و غیره که به‌کلی برای کشور ما بیگانه است، این مواد قانونی تطبیق نمی‌گردد؟ باید مقام مربوط هر چه زودتر این موضوع را توضیح کند.

برخی از مردم وطن‌پرست کشور ما در چوکات افغانستان واحد به زبان‌های ازبکی و ترکمنی صحبت می‌کنند و نمی‌توانند از نشرات و برادکاستی که به زبان‌های پښتو و دری صورت می‌گیرد به‌طور لازم استفاده کنند و مطالب آن را هضم نمایند. بنا بر آن بدان گونه که از استفاده درست از معارف کشور محرومند، از نشرات و مطبوعات نیز بی‌بهره‌اند.

امیدواریم جریدهٔ پرچم خلق، در ضمن مبارزات خود، همچنان مجدانه و بدون هراس به پیکار خود درین زمینه نیز ادامه دهد و این اعتراض ما را به «مقام ذیصلاح» افغانستان اعلام بدارد.

باید خاطر نشان ساخت که مردم دشمنان طبقاتی خود را می‌شناسند و هیچ بیمی در برابر اینگونه خودسری‌ها و حرکات اختناق آور ندارند.

(امضاء و مهر یکصد و چهل و هفت نفر از اهالی اندخوی)

تراژیدی سیلاب‌های اخیر در شبرغان

انبوه بزرگی از مردمان زحمتکش این دیار بی‌خانمان گردیده‌اند

سیلاب‌های هول انگیز و خانمان‌برانداز از شانزده روز به این‌سو (تا ۹ ثور) منازل و اراضی تحت زرع قراء شبرغان را به خطر و تباهی تهدید می‌نماید. طوری که دهقانان میگویند در حدود (۱۶۰) خانهٔ مردم زحمت کش قراء خواجه دوکوه، سالتق، چوب باش و اسلام از هم فروریخته و در حدود ۱۶ پیکال زمین زرع شده، طعمه سیلاب گردیده است.

شانزده روز تمام در جویبارهای شبرغان آب به جریان نیامده و انبارهای آب حوض‌ها نیز ته کشیده، آسیاب‌ها از گردش باز مانده و شرنگ

(ص ۴)

فایل آرشیوی راهنمای انقلاب که پرچم میخواسته است

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپروونکی

۲۲ حوت ۱۳۴۸

جمهوریت دموکراتیک توده‌ای

کوریا برای وحدت ملی و ترقی کشور خود مبارزه می‌کند

جمهوریت دموکراتیك توده‌ای کوریا به تاریخ (۲) اپریل سی و هفتمین سالگرد تأسیس اردوی گوریلائی ضد اشغالگران جاپانی را تجلیل نمود.

خلق کوریا در حیات ملی خویش به این روز اهمیت به سزایی قایلند. مردم کوریا که برای مدتی بیش از (۴۱) سال تحت اشغال امپریالیست‌های جاپان بسر بردند، به خاطر رهایی از توهین اسارت بیگانگان، مبارزات آزادی‌بخش ملی، خویش را به اشکال مختلف دنبال کردند.

پیکار ملی خلق کوریا در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲ تحت تأثیر جهان‌بینی علمی و اوضاع جدید بعد از جنگ اول جهانی به‌طور منظم و سیستماتیک آغاز گردید. اشغالگران جاپانی در راه قلع‌وقمع جنبش آزادی‌بخش ملی مردم کوریا از هیچ نوع خشونت و قساوت دریغ نکردند، زندان‌ها را از آزادیخواهان پر نمودند و بسیاری از وطن‌پرستان کوریایی به طرز وحشتناك و بی‌رحمانه‌یی اعدام و از بین برده شدند. آن‌ها امکان هر نوع فعالیت قانونی را از مردم کوریا سلب کردند. جبر و تشدد استعمارگران جاپانی خلق کوریا را مجبور ساخت که تحت رهبری زعیم ملي و انقلابی خویش (کیم ایل سونگ) طرق دیگری را جستجو نمایند. آن‌ها در سال ۱۹۳۲ اردوی گوریلائی متشکل از فرزندان کارگران و دهقانان کوریا را تأسیس نمودند.

همین اردو بود که به کمك قشون اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۴ با شکست دادن جاپان، استقلال کوریا را در شمال خط ۲۸ درجه عرض البلد به دست آورد.

جمهوریت دموکراتیك توده‌ای کوریا از سال ۱۶۴ به این‌طرف و از زمانی که زمام امور آن کشور به دست خلق افتید، به ترقیاتی نایل گردید که در تاریخ آن سابقه ندارد. تولیدات صنعتی بیش از (۴۰) برابر کردید، در ساحهٔ زراعت پیشرفت‌های زیادی نصیب مردم کوریا شد و امروزه آن‌ها می‌توانند نیازمندی‌های شان را از نظر خوراکه و مایحتاج مواد خام صنعتی تأمین نمایند.

در زمینهٔ معارف ترقیات مدم کوریا بی‌سابقه است، چنانکه ۲/۶۰۰/۰۰۰ طفل و جوان جمهوری توده‌ای کوریا در ۹۲۶۰ موسسه تعلیمی مصروف تعلیم و تحصیل مجانی می‌باشند. این ارقام برای (۱۲) ملیون و هفتاد هزار نفر نفوس جمهوریت دموکراتیك کوریا در مقایسه با ۷۲۲۶ موسسه تعلیمی برای بیست و نه ملیون و هشت‌صد هزار نفر نفوس کوریای جنوبی به ذات خود گویای تفاوت عظیمی در سویهٔ پیشرفت‌ها و ترقیات بین دو کوریا و اصالت راه رشد جمهوریت دموکراتیك توده‌ای کوریا نسبت به راه رشد کوریای جنوبی است.

در پروگرام ده فقره‌یی جمهوریت دموکراتیك کوریا نکات عمده آن را صنعتی ساختن کشور، تقویه ظرفیت دفاعی آن و وحدت کوریا تشکیل می‌دهد، تأکید می‌گردد که باید تولیدات صنعتی کشور در چند سال معدود آینده دوچند گردد و در ساحهٔ زراعت آن انقلابی به وجود آید. همچنان به صنایع سنگین بازهم حق قدمت داده شده است.

امروزه هدف پلان‌های زراعتی در جمهوریت دموکراتیك توده‌یی کوریا تنویر تمام روستاهای این کشور به زور برق (اکنون ۲/۹۸ فیصد از قراء آن دارای برق می‌باشد)، میکانیزه کردن و استعمال هر چه بیشتر مواد کیمیاوی در زراعت می‌باشد.

کیم ایل سونگ رئیس حزب کار و صدراعظم جمهوریت دموکراتیک توده‌ای کوریا می‌گوید: «بلند بردن سویه زندگانی مردم وظیفهٔ درجه اول حکومت است. مبارزه ما در راه تعمیر سوسیالیزم و... از خود هدفی دارد و آن عبارت از برآوردن کامل نیازمندی‌های مادی و معنوی مردم، تأمین فرهنگ و سعادت برای همه می‌باشد»

حزب کار جمهوری دموکراتیك توده‌ای کوریا در تحقق و اجرای پروگرام اقتصادی، ترقي علمی و فرهنگی و پیشبرد امور سیاسی و ایدیولوژیکی بر اساس پرنسیپ حل مستقل پرابلم‌های انقلاب، ساختمان سوسیالیزم، اتکاء به خود، تطبیق خلاق، نه جزمی جهان‌بینی علمی و بکار بردن تجارب دیگر کشورهای سوسیالیستی مطابق به شرایط مشخص تاریخی و سیمای خاص کور یا عمل می‌کند.

کیم ایل سونگ درین مورد می‌گوید: «مقصد ما از ایجاد اقتصاد مستقل ملی به نیروی خود، این نیست که روابط اقتصادی بین‌المللی رد گردد و هر چیز مورد ضرورت را خود ما تولید نماییم ... ما در تجارت خارجی خود به بازار جهانی سوسیالیستی اهمیت درجه یك قایل می‌باشیم و وی می‌گوید: مبارزه علیه امپریالیزم و استعمار رهنمای عمل همه کشورهای برادر که منافع مشترك در (تعمیر سوسیالیزم) دارند می‌باشد.»

جمهوریت توده‌ای کوریا خودخواهی تنگ‌نظرانه ناسیونالیستی را در مناسبات اقتصادی رد می‌کند. جمهوریت توده‌ای کوریا در سال ۱۹۶۷ قرار داد دفاعی جدیدی را با اتحاد شوروي امضا نمود.

مراسم جشن اول می
روز همبستگی کارگران جهان
در برخی از ولایات و مراکز صنعتی کشور

در کاپیسا

شاگردان لیسه میر مسجدی به خاطر تجلیل روز جشن پر افتخار کارگران جهان و گرامی داشتن سنن مبارزات کارگری کشور و بخصوص نهضت اعتصابی پر جلال کارگران فابریك بزرگی نساجی گلبهار در سال گذشته، به ساعت هشت صبح ۱۱ ثور (اول می) در حیاط مکتب متینگی را تشکیل و در حالی که لوحه‌ها و شعارهای متعددی را در دست داشتند، به‌سوی محله کارگران و فابریک نساجی گلبهار به حرکت افتیدند.

کارفرمایان زورگوی فابریك با همکاری بی‌دریغ مقامات مربوط حکومتی به‌منظور جلوگیری از اشتراك کارگران رزمنده گلبهار در تظاهرات این روز، «تدابیری» را اتخاذ کرده بودند که این روش مقامات حاکمه کشور در ولایت کاپیسا و دسایس قبلی که منجر به زندانی شدن (قدوس کارگر) و اخراج عده‌ای از کارگران وطن‌پرست فابریکه گلبهار گردیده بود، از طرف تظاهر کنندگان مورد اعتراض واقع شد.

تظاهر کنندگان در حالی که فشردگی نظم و انضباط را تا اخیر در صفوف مظاهره حفظ کردند با دایر کردن میتینگ‌ها، ایراد بیانیه‌های آتشین و شعارهای مطروحه به تجلیل روز اول می‌پرداختند.

تظاهر و اجتماع فرزندان رزمنده و دلیر خلق کاپیسا به ساعت دوازده ظهر با صدور قطعنامه‌یی خاتمه یافت.

در جبل السراج

شاگردان لیسه جبل السراج به همراهی عده‌یی از کارگران، روز اول می (۱۱ ثور) روز همبستگی کارگران جهان را با دایر کردن متینگی تجلیل کردند. از طرف اشتراک کنندگان در متینگ روش محافل ارتجاعی و کارفرمایان که به زور، تهدید و حیله مانع اشتراك عدهٔ زیادی از کارگران در متینگ و مظاهره گردیده‌اند، تقبیح و محکوم گردید و شعارهایی به خاطر این روز پرشکوه به پشتیبانی از کارگران رزمندهٔ کشور داده شد.

در شهر هرات

شاگردان دارالمعلمین و لیسه‌های هرات، صبح روز (۱۱) ثور باروحیهٔ اتحاد و همبستگی، تظاهرات باشکوهی را به خاطر تجلیل از روز اول می، روز همبستگی کارگران سراسر جهان به راه انداختند. در جریان تظاهرات اخلال گران و ماجراجویان انقلابی نما دست به تفتین و اخلالگری زده تلاش ورزیدند تا در صفوف مظاهره‌چیان رخنه‌یی وارد کرده، عده‌ی از آنان را به تجرید از مردم بکشانند، معهذا این مظاهره در مجرای واقعی خود، در میان مردم و با پیوند با مردم برگزار گردید.

در جریان مظاهره میتینگ‌هایی دایر و بیانیه‌های پرشوری از طرف شاگردان و برخی از کارگران آگاه ایراد و به پشتیبانی از کارگران و به خاطر گرامی داشتن روز اول می شعارهای با حرارتی داده شد.

تظاهر کنندگان نسبت به حبس خودسرانه و غیرقانونی و دسیسه آمیز سه تن از فرزندان صدیق هرات (عبدالعلی کارگر، غلام فاروق محصل و غلام سخی دهقان) اعتراض کردند. کارگران رزمندهٔ کشور داده شد.

په ننگرهار کی

زمونږ خبر یال له ننگرهار نه خبر راکوی چه دمی لومړی ورځ په ننگرهار کی د ننگرهار د پوهنتون د محصلینو، دمعارف شا گردانواو د جلال کوټ دښاریانو له خوا دافغا نستا ن دخلك دموکراتیک دجریان په لارښودنه و نما نځل شوه. مظاهره د سهار د نهو بجو په شاوخوا کی دننگرهار له پوهنتون نه ووتله اود بنا ر په لور روانه شوه. په مظاهره کی ژوندی دی وی دخلك دیموکراتیك جریان، لوړ دی وی دخلك دموکراتیك جریان پرچم! اود می دورځي دجشن متعلق شعارونه ورکول کیدل.

زمونږ خبریال زیاتوی چه مظاهره په زیات نظم او دسپلین سره دورځی په دوولس بجو ختمه شوه.

توقیف تحریك آمیز سه نفر از
«کانکور زدگان»

طوری که خوانندگان ارجمندم ما اطلاع دارند، فارغ‌التحصیلان صنوف دوازده لیسه‌های مرکز و ولایات کشور که در اثر سیستم غیرعادلانه کانکور شمول در پوهنتون از حق تحصیلات عالی محروم گردیده بودند، به مبارزات قانونی خویش در دفاع ازین حق مسلم خود ادامه دادند، چنانکه مبارزات معقول و قانونی ایشان بر ولسی‌جرگه افغانستان تأثیر افگنده و آن را واداشت که به نفع جوانان فارغ‌التحصیل لیسه ها، فیصله‌ای را اتخاذ نماید، به‌طوری که در اثر آن عدهٔ دیگری از فارغان مذکور می‌توانستند برای ادامه تحصیل فرصتی به دست آورند، ولی مقام مسؤول وزارت معارف، علی رغم فیصله صریح و روشن ولسی‌جرگه، در برابر شمول جوانان به پوهنتون از خود مقاومت و سماجت نشان داده، به اعمال غیرقانونی و خود سرانه‌یی دست زد و در غیاب بناغلی صدراعظم به شکل تحریك آمیز و خلاف قانون سه تن از جوانان را به هنگام اجتماع مسالمت آمیز و قانونی آنان، به خاطر دفاع از حقوق ادامه تحصیلات عالی‌تر، بازداشت کرد.

مقام مسؤول وزارت معارف با این شیوه خودسرانه خود در حالی که فیصله صریح ولسی‌جرگه را به کمک به‌اصطلاح مقامات امنیتی (!) کشور زیر پا گذاشت، صریح خلاف روحیه قانون اساسی افغانستان عمل کرد.

پرچم: در حالی که حقوق مسلم صنفی جوانان و فارغ‌التحصیلان لیسه‌های مرکز و ولایات کشور را تائید می‌نماید، بروش خشن و غیرقانونی و ضد دموکراتیك، مقامات مربوط دستگاه حاکمه در ین زمینه اعتراض می‌کند و خواستار رهایی هر چه زودتر جوانان زندانی معارف و پوهنتون است.

(بقیه ص ۳)

تراژیدی سیلاب‌ها ...

تلختر به کام پر مرارت زادگان رنج و بدبختی این دیار فرو ریخته است. سرک عمومی شبرغان - اندخوی نیز طعمه سیلاب‌های سهمگین ورنج انگیز گردیده و عبورومرور را بر ساکنان این دیار ناممکن ساخته است.

اصلاً سه دریای شبرغان از کوهستان‌های آبخیز و فیض بخش سرپل سر چشمه می‌گیرد و دریای واحد سرپل در شبرغان به سه بخش انقسام می‌پذیرد، در زمان آبخیزی بند خامه از جا کنده شده و آب دریای که اراضی گرد و نواح شهر را آبیاری می‌کند به دریای خواجه دو کوه سرازیر می‌شود، و مصیبت بزرگی برای ساکنان این منطقه که با دریا پیوند حیاتی دارند، پدید می‌آورد.

هر سال این بند چند بارمورد تهاجم قدرت خرابکار سیلاب قرارمی‌گیرد، سیلاب بند خامه را آسان به کام می‌کشد و یك دنیا زجر و سیه بختی در قبال می‌آورد. با مخارج هزاران افغانی بند خامه دیگر ایجاد می‌گردد. تا طعمه سیل سهمگین و بنیادکن دیگر شود.

این تراژیدی سال‌هاست که مردم را عذاب می‌دهد، ولی سرپنجهٔ عمال دولت فاقد قدرت گره کشائی بکارمردم شریف ماست، لهذا این بند پخته نمی‌شود و فریاد خلق‌های شریف و زحمتکش را سوزنده‌تر بلند می‌سازد.

مسؤول این همه نابسامانی‌های موحش و بدبختی آفرین، مقامات غفلت کار و خودسر دستگاه حاکمهٔ کشور است.

انگوت از جوزجان

سوگند

تو ای رفیق همرزم تو ای دلیر بی‌باک!
که چو شعله سرکشی تو و چو موج نرم و چالاک،
که چو بحر پر درونی و چو اشك چشم من پاك،
که چو باده پر غروری، زکرم خمیده چون تاک،
بشرافت تو سوگند!
به شهامت تو سوگند!
برهی که رفته یی تو، که ره نجات خلق است،
که اگر مرا بسوزند و تنم کنند صد چاک
زره تو برنگردم!
زپی تو برنگردم!
سر من نثار این خلق، تن من فدای این خاك!

از: اسکاف

اظهارات لئونید بریژنیف به مناسبت روز اول می

لئونید بریژنیف منشی عمو می کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی بیانیه به مناسبت جشن اول می در میدان سرخ، به نمایندگی از کمیته مرکزی، هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و حکومت شوروی چنین اظهار داشت:

»در روز می ما همه، اشتراك خود را با برادران طبقاتی خویش در دیگر کشورهای با همهٔ آنچه که در جهان معاصر محق و مترقیست با نیروی خا ص احساس می‌نماییم .«وی ضمن تبریك جشن می به کارگران و خلق‌های زحمتکش کشورهای سرمایه داری گفت: «ما، مردم شوروی عمیقاً معتقدیم که مبارزه عادلانه آن‌ها بر ضد استبداد و استثمار، به خاطر آزادی و خوشبختی خلق کارگر پیروز می‌شود .» مو صوف با تمجید از خلق‌هایی که بر ضد ستم ملی مبارزه می‌کنند اظهار داشت: «همدردی و پشتیبانی مردم شوروی همیشه با آن‌ها خواهد بود، وطن‌پرستانی که در ویتنام بر ضد تجاوزکاران امپریالیست می‌جنگند همچنان خلق‌های عرب که بر ضد امپریالیزم و به خاطر حق حاکمیت شان مبارزه می‌کنند، اردوهای آزادی‌بخش انگولا و موزنبیق، مردمانی که یوغ اسارت استعمار را به دور انداخته و راه رشد مستقل را در پیش گرفته‌اند از این حقیقت به‌خوبی آگاهند .» وی گفت: «اتحاد شوروی از مرام صلح و امنیت ملل و اصول همزیستی مسالمت آمیز بین دولت‌های دارای سیستم‌های اجتماعی مختلف حمایت خواهد کرد. ما طرفدار حل پرابلم‌های حل ناشده از طریق مذاکره می‌باشیم ما یقین کامل داریم که هر گاه همه نیروهای صلح‌دوست در مبارزه به خاطر این مقاصد دور هم جمع شوند، صلح حفظ خواهد شد...»

تظاهرات محصلان و متعلمان امریکایی به مناسبت روز اول می

نیویارک: محصلان مترقی ایالات متحد امریکا روز اول می را با ابراز عکس‌العمل‌های شدید بر ضد جنگ و تفوق نژادی تجلیل کردند.

محصلان تقاضای شدید خود را برای دموکراسی کردن تعلیمات عالی آن کشور ابراز نمودند. میتینگ‌های وسیع و باشکوه، اعتصابات و تظاهرات عظیم در بسیاری از مکاتب عالی و پوهنتون‌های امریکایی صورت گرفت.

- بیش از یک‌صد و پنجاه محصل پوهنتون کولمبیا از آغاز روز اول می به‌منظور شمول عده کثیری از متعلمان سیاه‌پوست و پورتوریکایی‌ها در پوهنتون ها به اعتصاب نشستن دست زدند. محصلان در دو عمارت پوهنتون برای مقامات مربوط پوهنتون که اشتراك کنندگان در تظاهرات را به محاکمه تهدید می‌نمودند، مشکلاتی ایجاد کردند. آن‌ها خاطر نشان ساختند تا وقتی که به خواست‌های شان جواب مثبت داده نشود، عمارتی را که اشغال کرده‌اند، ترك نخواهد کرد.

- مقامات مربوط پوهنتون ستانفورد کلفورنیا بیش از یک‌صد نفر پولیس را به پوهنتون فرا خواندند تا اجتماع محصلان را که تحت شعار ضد جنگ تشکیل شده بود، پراگنده سازند، ولی میتینگ همچنان ادامه یافت و محصلان به دلیل اینکه پوهنتون مذکور مصروف اجرای فرمایش‌های وزارت دفاع امریکا می‌باشد، از رفتن به صنوف امتناع ورزیدند. محصلان تصمیم خود را مبنی بر ادامه مبارزه بر ضد شیوع ملیتاریزم در مؤسسات تعلیمی امریکا اعلام داشتند.

- مبارزات طولانی پوهنتون مشیگان سرانجام به موفقیت انجامید. مقامات پوهنتون اعلام داشتند که حاضر اند به بسیاری از خواست‌های محصلان پاسخ مثبت دهند و مصئونیت آن‌هایی را که در اعتصابات سهم گرفته بودند، تضمین نمایند.

- همچنان موج‌های عظیمی از تظاهرات محصلان پوهنتون‌های هاروارد، اندیانا و مکتب عالی شهر نیویارک و دیگر مؤسسات عالی در ایالات متحده امریکا نیز به همین منظور به راه افتید.

اعتصاب شاگردان شونځی

ابن سینا

شاگردان شونځی ابن سینا جهت تأمین پارهٔ از خواست‌های صنفی‌شان از تاریخ ۱۵ ثور به این‌طرف (۲۰ ثور) در حالت اعتصاب بسر می‌برند. شاگردان شونځی در وضع خاصی اعتصاب را چنان تحت نظم و کنترول در آورده‌اند، که در نوع خودش ابتکاریست قابل تذکر.

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

تیلفون: ۲۳۱۶۴

د یوه ګنی بیه : ۲/۵ افغانی

تایپ متن: قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی